

گفتمان عدالت در اندیشه رهبری

□ نعمت الله امینی *

چکیده

عدالت یک مفهوم یا مقوله‌ی است که از دیرگاهی مورد پژوهش و کنجکاوی فلاسفه بزرگ سیاسی مانند افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن‌سینا و سایر دانشمندان دینی و غیردینی بوده که هر کدام بر مبنا و محور نظام معرفتی و فکری خویش رویکرد و نگاهی خاصی به عدالت داشته‌اند، تحلیل و پردازش به رهیافت‌های آنان در باره‌ی عدالت منظور و معطوف در این پژوهش نبوده و این نوشتار نیز مجال و ظرفیت آن را ندارد.

لازم و ضروری به نظر می‌رسد که به گفتمان عدالت از منظر رهبری (آیه‌الله خامنه‌ای) پرداخته شود که نظریات بسیاری بکر و تازه در حوزه عدالت اجتماعی سیاسی مطرح کرده که ذکر و تحلیل آن بسیار مفید، بروز و کاربردی خواهد بود.

که در این نوشتار به مباحث چپستی، ضرورت، رابطه و قلمرو عدالت در حوزه‌های گوناگون اجتماعی سیاسی، اقتصادی، کیفی، صیانتی و نتیجه‌گیری آن در اندیشه سیاسی رهبری بطور اجمال و گذرا پرداخته می‌شود که بازدهی بسیار سودمند و ثمربخشی خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: عدالت، برابری، تساوی فرصتها، رفع تبعیض و ارزشها.

روزنه

عدالت مقوله و جستاری در حوزه فلسفه سیاسی است که از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار بوده و همواره بشر تشنه‌ی تحقق آن در ابعاد حیات فردی و اجتماعی بوده است؛ عدالت از منظر فلاسفه سیاسی دارای تعریفی واحدی نبوده، بلکه تعاریفی گوناگونی با توجه به مبانی متفاوت فلسفی، فکری و... خویش برای آن بیان نموده‌اند.

عدالت در اسلام، اولین مقوله ارزشی و مبنایی به شمار می‌آید که نظام هستی بر آن بنیاد گردیده؛ نظام سیاسی، اجتماعی و حقوقی بدون عدالت، تداوم و استمرار نخواهد یافت. پردازش و تحلیل به بحث عدالت و رویکردها از نظر تمامی اندیشمندان اسلامی در وسع و توان این مقال نبوده، بلکه این نوشتار به تحلیل، بررسی و واکاوی عدالت در اندیشه رهبری (آیه الله خامنه‌ی مدظله) در ابعاد اجتماعی و سیاسی، بطور ایجاز و اختصار پرداخته می‌شود، این نگارش پاسخ به چیستی و گوناگونی آن عدالت در حوزه اجتماعی است.

چیستی عدالت

برای عدالت تعاریف گوناگونی از منظر اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی ارایه شده که ذکر آن‌ها به اطاله کلام انجامیده و مورد نظر این پژوهش نیز نمی‌باشد بلکه تعریف عدالت از دیدگاه رهبری منظور مراد است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود، ایشان عدالت کلامی را به معنای حق و عدالت اجتماعی را به مفهوم رفع تبعیض، عدالت اقتصادی را رفع فقر و ایجاد فرصت‌های برابر استفاده از امکانات مادی، اقتصادی، حمایت از مظلومان و آسیب‌دیدگان اجتماعی و برابری در دادخواهی و قضایی می‌داند:

عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن، حق هرچیز و هرکسی را به او دادن و این معنای عدالت است عدل همان حق است اصلاً از هم جدا نیستند به يك معنا حق همان عدل است. مجتبی جاویدی ۲۹، ۱۳۸۵

عدالت، از بین بردن تبعیض، فقر، محرومیت، جهل و نادانی‌های نفوذ و رسوب کرده اجتماعی است. همان. ۳۷، ۱۳۸۵

عدالت حق‌گرای است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری و

جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است همان، ۶۳، ۱۳۸۵
عدل معنایش این است که باید جامعه قایم بالقسط باشد یعنی قانون عادلانه، اجرای عادلانه،
قضاوت عادلانه و تقسیم عادلانه باشد؛ و عدالت رفع فقر و نابرابری اجتماعی در استفاده نامتوازن
از امکانات رفاهی و مادی است.
عدالت غیر از مساوات است؛ اشتباه نشود گاهی مساوات، ظلم است عدالت هر چیزی را در
جای خودش گذاشتن و به هرکسی حق او را دادن است. همان، ۳۱، ۱۳۸۵

ضرورت عدالت

اولین ارزش در نظام اسلامی از نظر عملی، تأمین عدالت اجتماعی است عدالت مبنای همه
تصمیم‌گیریهای اجرایی است پیام اسلام اقامه عدل و ایجاد مکانیزم مدیریت مبتنی بر مدار
عدالت می‌توان بر شمرد پیامبران الهی برای ایجاد جامعه بر محوریت عدالت فرستاده شده‌اند،
بشریت منتظر امام مهدی برای گسترش و توسعه عدالت در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی
است استقرار عدل، تبعیت از عدل، ترویج عدل، تلاش و مجاهدت برای عدل، بزرگداشت
عدالت و تقیح ظلم از خصوصیات بارزی نظام اجتماعی اسلامی است.
شاید در اسلام در مورد مسایل اجتماعی، هیچ چیز به اندازه عدالت مورد توجه و تأکید قرار
نگرفته و عدالت هدف تشکیل نظام‌های الهی و فرستادن پیامبران آسمانی است و ملتهای مختلف
در جغرافیایی گوناگون دنیا بدلیل عدالتی که در نظام اسلامی مطرح است اسلام را به آغوش باز
پذیرفتند این آموزه عدالت بهترین ملاک برتری برای آنها بود چنانچه رهبر میفرماید:
عامل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر دو چیز است: يك، منطق قوی و استدلال متین برای اثبات
مدعای خود، دیگری عدالت به معنای حقیقی کلمه است. ایندو ابزار پیشرفت اسلام و گسترش
ارزشهای دینی است. ایجاد و تداوم زندگی اجتماعی، مبتنی بر اجرایی کردن عدالت اجتماعی
بوده و بدون عدالت، نظام اجتماعی قوام نمی‌یابد. لذا فلسفه ارسال رسولان را بخاطر «لیقوم
الناس بالقسط» می‌توان بیان نمود.

رابطه عدالت با ارزشها

عدالت از نظر اسلام، در بنیان عالم و آفرینش، نقش اساسی دارد یعنی سنت آفرینش عدل

است؛ هر نظام اجتماعی اگر بدنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرده، تداوم می‌یابد اقامه قسط و عدل راهبرد اساسی انبیاء الهی بوده و پایه‌اساسی اسلام شمرده می‌شود. هدف اسلام، ایجاد قسط و استمرار عدل در جامعه است؛ اسلام و ارزشهای اسلامی همان عدل و عدالت بوده و با همدیگر تنیده‌اند.

امامان معصوم برای تحقق عدالت در تمام بخش‌های اجتماعی از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نوزیدند برای استقرار نظام اجتماعی و نظام عادلانه، مشکلات طاقت فرسا را متحمل شدند. به قول رهبری: «عدل همان حق، حق همان عدل را شکل می‌دهد و حق همان چیزی است که خداوند برای سعادت دنیا و آخرت بشر در قرآن بیان نموده است».

قلمرو عدالت

عدالت دارای عرصه‌ها و قلمرو گوناگونی است که پردازش به تمامی آن‌ها ممکن و میسر نمی‌باشد بلکه عدالت در عرصه و قلمرو خاص و معدودی از دیدگاه رهبری می‌پردازیم:

الف - عدالت توزیعی:

تقسیم سودها، زحمات‌ها، مقام‌ها، پست‌های اجتماعی و چیزهای خیر و مطلوب میان افراد است که در پدید آمدن آنها نقش داشته، در نتیجه پیش از تقسیم هر یک از آنها نسبت به سهم خویش ادعای مشروع دارند و تقسیم منافع و بهره‌های زندگی اجتماعی جزء موضوعات عدالت توزیعی است و عدالت توزیعی در سه عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قابل بحث و بررسی است.

۱. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی در واقع همان بسترسازی برابر برای بهره‌وری از تمام فرصت‌ها و امکانات برای اقشار مختلف اجتماعی بدور از تبعیض، تعصب، تمایزات نژادی، قومی، زبانی، فرهنگی و برتری‌جوی‌های غیردینی است که در همه زمینه‌های اجتماعی تمثیل گردد. چنانچه رهبری در این مورد چنین بیان می‌دارد:

عدالت اجتماعی جزء بزرگترین توصیه‌های اسلامی است اگر مسئولانی در کشور برای

عدالت اجتماعی، برای نفي فقر در جامعه و کاهش شکاف اجتماعی میان طبقات غنی و فقیر کار نکنند از چشم مردم می‌افتند. علی خامنه‌ی، حدیث شکوفایی، ۲۳، ۱۳۸۱

عدالت اجتماعی یعنی نگاه و نظر دستگاه قدرت و حکومت، نسبت به آحاد مردم، یکسان باشد؛ در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها، یکسان باشد، معنای عدل اجتماعی این است که قانون، مقررات و رفتارها نسبت به همه افراد جامعه یکسان باشد کسی امتیاز ویژه‌ای بدون دلیلی نداشته باشد؛ این معنای عدالت اجتماعی است. مجتبی، جاویدی، ۳۱، ۳۰

عوامل شوم و بدبختی در جامعه، فقر، ناامنی و تبعیض است پایه شوم بدبختی، تبعیض است، تبعیض یعنی بجای ملاحظه قابلیت‌ها، به جای ملاحظه استحقاق‌ها، بجای ملاحظه خدا و قانون و ملاحظه رابطه‌ها شود، روابط مقدم بر ضوابط گردد و بر خلاف مقررات اسلامی، در راستای منافع شخصی و گروهی رفتار نمایند این مظهر بی‌عدالتی است. جاویدی، ۲۳۸.

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است، همه مسئولان در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم، تهی‌دست و کم‌درآمد باید تلاش ورزند که غالباً بیشترین بار مشکلات نظام اسلامی در همه مراحل و بحران‌ها بدوش داشته و دارند عدالت اجتماعی از اهداف بزرگ اسلامی است که برای زدایش نابرابری‌های اجتماعی تأکید می‌ورزد. جاویدی، ۲۳۸.

عدالت اجتماعی در پرتو اصلاح نفوس، بواطن و در سایه توجه به خدا حاصل می‌شود، اسلام فقط احکام عبادی فردی نیست بلکه مسایل اجتماعی چون رحم، عدالت اجتماعی، رسیدگی به خواست‌های مردم، خدمت به انسان‌ها و مبارزه باشد و انواع فساد نیز از مسایل زیر بنای اسلام است. جاویدی، ۲۳۸.

اسلام در پرتو دستورات اسلامی و دینی بر محور و مدار عدالت قرار می‌گیرد دستورات اسلامی همان عدالت است رفتار دینی و اسلامی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم است.

عدالت اجتماعی در پرتو اجرای قوانین اسلامی بدون تبعیض، تعصب و بدون در نظر داشت ویژگی‌های اجتماعی، طبقاتی و... قابل حصول است. جاویدی، ۲۳۸.

۲. عدالت سیاسی

عدالت سیاسی، گزینش مسئولین و کارگزاران با ملاک‌های دینی و معیارهای الهی و از میان

افراد لایق، کاردان، پاک و آراسته به خصوصیات لازم برای مدیریت سالم، اسلامی و استقرار نظام سیاسی است.

کارگزاران حکومتی، خدام و خدمتگزار مردم اند، خدمت کردن به مردم فدارکار، عبادتی بزرگ و افتخار ابدی است؛ مسئولین سیاسی باید از يك زندگی معمولی برخوردار باشند، به قدری که بتواند برای مردم کار کنند و متمتع شوند و از امتیازات مادی بهره‌برند. پیشین، ۶۳.

نظام اسلامی عبارت است از این که اولاً قسط، عدل اسلامی و احکام اسلامی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ ثانیاً عناصر صالح و شایسته متصدی و مباشر این کار باشند بدون افراد شایسته و صالح امکان ندارد احکام و قسط اسلامی در جامعه پیاده شود. ثالثاً اعتماد مردم به آن‌ها و رابطه‌ای میان مردم و خدمتگزاران سیاسی مستحکم باشد هرکدام از این سه پایه اگر کم باشد فلسفه حکومت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. پیشین، ۲۷۳.

رهبری در توصیف کارگزاران و حاکمان سیاسی و حکومتی و وظایف اجتماعی و سیاسی آنان می‌فریند:

کارگزار و مسئول اصلاح کسی است که برای ریشه کردن فقر و فساد عزم جدي داشته باشد یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند اصلاح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور بیاندیشد از یاد قشرهای مظلوم و محروم جامعه غافل نباشد اصلاح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم، دنیا و آخرت مردم باشد. پیشین، ۲۷۷.

اولین شرط برای مسئول سیاسی که به مرکز قدرت راه می‌یابد تقوا است که معتقد به ارزش‌های اسلامی باشد شرط دوم دلسوزی به مردم، بویژه طبقه محروم داشته باشد شرط سوم مسئولین نظام اسلامی باید شجاع و دلیر در برابر تهدیدهای دشمن باشند.

آنچه امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف کارگزاران حکومت اسلامی برای عدالت سیاسی بیان می‌دارد خلاصه آن چنین است که مسئولین نظام سیاسی، مسئولینی اند که برای خدا و مردم در راه خدا، بدون از هوا و هوس، منافع شخصی و لذایذ فردی، تلاش ورزند. پیشین، ۲۸۳.

عدالت سیاسی، گماریدن عناصر کاردان، متدین و دردمند است که در راستای دفاع از مظلومین، مقابله با پدیده‌های ستم بار و به نفع محرومین جامعه قدم بر می‌دارند.

۳. عدالت اقتصادی:

عدالت اقتصادی عدالت است که در همه امور و عرصه‌ها، برنامه‌ریزی‌های نظری و عملی

اقتصادی اجراء گردد عدالت اقتصادی فراهم کردن زمینه بهره‌برداری از امکانات عمومی و ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی برای همگان، بخصوص برای قشر آسیب‌پذیر جامعه و برچیدن بسترهای سوء استفاده اقتصادی است. یشین، ۳۸۸.

تمتع و بهره‌مندی قشرهای مختلف مردم از امکانات مادی، باید متعادل باشد. نایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیادتر بشود؛ عدالت اقتصادی، تلاش در جهت تحقق عدالت توزیع امکانات و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای سطح شاخص‌های توسعه و پیشرفت از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد اقتصادی بوده و ایجاد نظام تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات خیریه مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی است. یشین، ۳۸۹.

عدالت اقتصادی، توزیع فقر نیست بلکه توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های موجود برای تمام شهروندان است. علی خامنه‌ی، منشور دولت اسلامی، ۱۲، ۱۳۷۸.

مسأله‌ای توزیع درآمد، کم کردن و کاهش دادن فاصله‌ی بین طبقات اجتماعی و نیز فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای همه به عنوان شاخص‌های توسعه عدالت اقتصادی مورد توجه جدی قرار بگیرد. یشین، اخلاق کار گزاران، ۱۲، ۱۳۷۸.

یکی از مشکلات جامعه اسلامی عبارت از شکاف اقتصادی، تبعیض در مسایل اقتصادی است و بهره‌برداری و برخورداری‌های ناروا در مقابل محرومیت‌های سخت و سنگین، مردم را آزار می‌دهد و فقری که مردم محروم را آزار می‌رساند. جاویدی، یشین، ۲۴۹.

مبارزه با فقر یعنی تلاش برای این که ثروت از منابع ملی استخراج گردد و بدست آید، اولاً به شکل بهینه استخراج شود بعداً به شکل بهینه مصرف بشود و اسراف نگردد. فساد یعنی فساد اخلاقی، فساد کاری، عدم احساس وجدان در تقدیم خدمات عمومی، عدم احساس مسئولیت در مواجهه با افکار عمومی و با ذهن‌های مردم این‌ها شعبه‌ها و شاخصه‌های فساد است که عدالت اقتصادی آنرا نمی‌پذیرد.

در جامع علوی و اسلامی، فاصله‌های عمیق طبقاتی و برخورداری ناحق از حقوق دیگران وجود ندارد قسط و عدل در جامع جاری است، آن جامعه الهی است که در آن عدالت باشد. عدالت اقتصادی برخورداری مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همگان است. ضمناً زمینه رقابت آزاد اقتصادی نیز میان استعداد‌های گوناگون باید هموار باشد. اخلاق کار گزاران، یشین، ۶. آماج و هدف مبارزه در اسلام سه چیز است: فقر، فساد و تبعیض است. اگر با فقر، فساد و

تبعیض مبارزه شود اصلاحات به معنای حقیقی، انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد مشکلات جامعه اسلامی ناشی از این سه پایه شوم و مخرب است؛ ناامنی هم که داریم از این خاطر است بسیاری ناامنی‌ها بخاطر فقر اقتصادی است با فقر باید مبارزه شود انسانی که امکان زندگی در حد نیاز و ضروری ندارد همان چیزی است که پیامبر اکرم فرموده که: «کاد الفقر ان یكون کفراً» فقر انسان را به فساد و به خیانت می‌کشاند برای ریشه‌کن نمودن فقر نیازمند به عدالت اقتصادی است. جاویدی، پیشین، ۲۴۸.

ب - عدالت کیفری

نوع دیگر از عدالت توزیعی در اسلام عدالت کیفری می‌باشد که در دادخواهی و بررسی دعاوی و شکایات و صدور احکام قضایی عدالت کیفری را در جامعه نهادینه شود که کلام رهبری در مورد ویژگی‌های قوه قضائیه و قاضیان چنین است:

شان دستگاه قضایی، مبارزه با تخلفات، شان اصلاح و مبارزه با مظاهر ظلم و باطل است اولین هدف آن برپای قسط و عدالت کیفری است. هرکسی که وارد دستگاه قضایی می‌شود باید در درجه اول تکلیف خود را این بداند که در جامعه قسط و عدالت برپا دارد قسط و عدالت جز با انطباق به قوانین اسلامی تحقق پذیر نمی‌باشد هرچه خلاف قوانین اسلام بود مظهر ظلم و بی‌عدالتی است.

قوه قضائیه برای احقاق حق و ابطال باطل هیچ بهانه قرار ندهند در حدتوان و قدرت در راه تحقق عدالت باید بکوشند. قوه قضائیه باید از نظارت قوانین استقبال کند و قانون یکی از ابزار نظارت است. باید نقض نشود و تخصیص نخورد. جاویدی، پیشین، ۴۴۰ و ۴۴۲.

استقلال قضات یکی از ویژگی‌های عدالت قضایی و کیفری است که قاضی هنگام صدور حکم نباید تبعیض و نابرابری در اراده آن تأثیر بگذارد بلکه از لحاظ درونی کاملاً مستقل بوده و وابستگی به گونه‌های متفاوت نداشته باشند. جاویدی، پیشین، ۴۶۳.

تدابیر و اقدامات برای بکارگیری عناصر و نیروهای صالح، سالم و توانا در رده‌های گوناگون قضایی و اداری آن قوه و حذف عناصر ناصالح به کارگرفته شود.

عدالت کیفری به معنای عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام است عدالت اینکه عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قایل نباشد عدالت یعنی که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی به صورت یکسان بر مردم اجرا شود. جاویدی، پیشین، ۲۸.

عدالت قضای در يك کشور معیار سلامت آن کشور به شمار می‌آید اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض، ستم، اجحاف و تجاوز مطلوب و پسندیده است. جاویدی، پیشین، ۶۲۲.

در عدالت کیفری جانب حق را باید گرفت، در دعوای میان افراد جانب مظلومان را باید گرفت: «کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» خصم یعنی دشمن که گریبان ظالم را می‌گیرد او را رها نمی‌کند اگر دستهای با ایمان، گریبان ظالمان و ستمکاران را می‌گرفتند ظلم در دنیا این قدر گسترش پیدا نمی‌کرد بلکه از بن برمی‌افتاد؛ گریبان ظالم را بگیر، هر جا مظلوم هست به او کمک کن و طرفدارش باشد. جاویدی، پیشین، ۳۹۳.

عدالت کیفری ایجاب می‌کند که افراد محروم به اندازه جرم که مرتکب شده باید به مجازات برسند؛ حقوق و عدالت اسلامی در مورد آنان باید اعمال گردند در اجرای حدود الهی نباید قصور ورزید بلکه در اجرای حدودی برخاسته از عدالت اسلامی باید، موشکافانه عمل نمود؛ در اجرای حدود، امتیاز ویژه‌ای برای افراد نباید قایل شد همه در مقابل قوانین باید یکسان باشد.

ج- عدالت صیانتی

عدالت صیانتی ایجاب می‌کند که جان، مال و عرض مردم از ظلم، تجاوز و اجحاف بدور باشد عدالت صیانتی عدم اضرار به غیر است و امنیت جانی، مالی و آبروی در لایه‌های گوناگون جامعه گسترش یابد.

با قوانین و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود همه احساس کنند که در برابر ظلم و تعدی می‌توانند به ملجاء مطمئن پناه برند و ایجاد امنیت مدنی و قضایی بسیار مهم است باید حتماً ملاحظه شود. جاویدی، پیشین، ۴۵۹.

یکی از موارد امنیت، امنیت اقتصادی و مالی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است امنیت اقتصادی یعنی اینکه انسان‌ها و آحاد مردم، از هر قشری بخواهند کار اقتصادی کنند بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهند شد از طریق قانون و راههای مشروع به فعالیت اقتصادی بپردازند. همه کس بدانند که باکار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوب فراهم کند. علی، خامنه‌ی، پرسش و پاسخ، ۳۶۷، ۱۳۸۰.

مصدق دیگر امنیت و عدالت صیانتی، امنیت شغلی است اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات

نمود اگر کسی می‌خواهد در جامعه کار کند دست و پایش را بستند و برای تلاش کردن به او فرصت ندادند اینها بر خلاف عدالت صیانتی بوده و مصداق بارز فساد است باید اصلاح شود. اگر در فعالیت‌های اقتصادی دلّالی و رابطه بازی بر تولید تقدم داشته شود این‌ها موارد فساد بوده برابر آنها باید مبارزه گردد. علی، خامنه‌ی، پیشین، ۳۵۶.

حاکم اسلامی باید حکومت را برای خود وسیله اعاشه زندگی، کسب در آمد و اندوختن ثروت نداند بلکه يك تکلیف و مسئولیت بداند نظام اسلامی، نظام عدل، انصاف و رسیدگی به مردم، احترام گذاشتن به حقوق مردم و مقابله با ظلم اقویا بر ضعیفان است و امانت داری در بیت المال جامعه بوده و اجتناب از مصرف آن در مسایل شخصی است. علی، خامنه‌ی، رهنمودها، ۶۰، ۱۳۸۳.

عدالت صیانتی در گرو تأمین حقوق انسان و کرامت بشري و آزادی در چارچوب نظام اسلامی است و ادیان الهی همواره در پی دعوت به سوی سلامت، امنیت و آسایش انسانها بوده‌اند. جاویدی، پیشین، ۱۶.

اگر عدالت صیانتی باشد امنیت اقتصادی بیشتر است دزدها و چپاولگرها هستند که از بی‌عدالتی سود می‌برند انسانی می‌خواهد سرمایه گذاری کند. طبق قانون سود ببرد و عدالت پشتوانه در فعالیت و امنیت اقتصادی او شمار می‌آید. جاویدی، پیشین، ۶۲۰.

دست اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم برداشته شود، همه بدانند که باکار و تلاش خویش می‌توانند زندگی مطلوب بدور از چپاول و غارت فراهم نمایند. جاویدی، پیشین، ۲۸.

عدالت صیانتی، مصونیت از دست اندازی به جان، مال و آبروی افراد و جامعه و داشتن امنیت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در چارچوب اعتقادی اسلام می‌توان بیان نمود؛ عدالت صیانتی امری مقدم بر عدالت قضای و کیفری و عامل پیشگیری از وقوع جرم‌ها و بزهکاری‌های اجتماعی است.

فرجام سخن

مفهوم عدالت در اندیشه رهبری، رفع فقر و کاهش فاصله‌های طبقاتی و توزیع فرصت‌های کمیاب اجتماعی بدون تبعیض می‌توان بیان نمود و ایشان عدالت را زیربنای زندگی اجتماعی و فردی می‌دانند. می‌گوید حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی، حقوقی (عدالت توزیعی،

عدالت صیانتی و عدالت کیفی (بدون عدالت، قوام و دوام نخواهد یافت، وظیفه مسئولان نظام اسلامی را تحقق بخشیدن به عدالت در ابعاد وسیع اجتماعی بیان می‌دارد، هدف رسولان و امامان را اعمال و گسترش عدالت در حوزه فرد و جامعه می‌داند، زندگی اجتماعی بدون عدالت، توخالی و بی‌معنا می‌پندارد، رشد و بالندگی يك جامعه را در پرتو تجسم و تحقق بخشیدن به عدالت‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی می‌توان تحلیل کرد.

کتابنامه

- جاویدی، قاموس عدالت، پیشین، ۱۳۸۴.
- جاویدی، قاموس عدالت، ۱۳۸۵.
- خامنه‌ای، اخلاق کارگزاران، تهران، ۱۳۸۴.
- علی خامنه‌ای، حدیث شکوفایی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ظفر، ۱۳۸۱.
- علی خامنه‌ای، اخلاق کارگزاران، تهران، سازمان استخدای کشور، ۱۳۷۸.
- علی خامنه‌ای، پرسش و پاسخ، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰.
- علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، تهران، دفتر نشر ویژه آثار رهبری، ۱۳۷۶. ص ۱۲۶.
- علی خامنه‌ای، رهنمودها، تهران، صادق آل محمد، ۱۳۸۳.
- علی خامنه‌ای، منشور دولت اسلامی، تهران: ۱۳۸۱.
- مجتبی جاویدی، قاموس عدالت، بررسی مبانی نظری و عملی مفهوم عدالت در کلام رهبری، تهران: سازمان فرهنگ و انتشارات، ۱۳۸۵.